معین کن بیت فارسی ای که ارتباط دارد با آیه یا حدیث در معنی.

اَلتَّمرينُ السّادِسُ: عَيِّنِ الْبَيتَ الْفارِسِيَّ الَّذي يَرتَبِطُ بِالْآيَةِ أَوِ الْحَديثِ فِي الْمَعنىٰ.

د ۱ـ ﴿وَ لا تَنابَزوا بِالْأَلْقابِ﴾ اَلْحُجُرات: ۱۱ و به یکدیگر لقب های زشت ندهید .

ج ۲ـ عَوِّدْ لِسانَكَ لينَ الْكَلامِ. اَلإمامُ عَلِيٌّ عليه‌السلام زبانت را به نرمی سخن عادت بده .

ب ۳ـ فَكِّرْ ثُمَّ تَكَلَّمْ تَسْلَمْ مِنَ الزَّلَلِ. اَلإمامُ عَلِيٌّ عليه‌السلام فکر کن ، سپس صحبت کن تا از لغزش سالم بمانی.

ه ٤ـ أَكبَرُ الْعَيبِ أَنْ تَعيبَ ما فيكَ مِثْلُهُ. اَلإمامُ عَلِيٌّ عليه‌السلام بزرگترین عیب این است که از چیزی که مانند آن در تو هست عیب جویی کنی .

الف ٥ـ تَكَلَّموا تُعْرَفوا؛ فَإِنَّ الْمَرْءَ مَخبوءٌ تَحْتَ لِسانِهِ. اَلإمامُ عَلِيٌّ عليه‌السلام صحبت کنید تا شناخته شوید ؛ زیرا انسان در زیر زبانش پنهان است .

الف) تا مرد سخن نگفته باشد — عیب و هنرش نهفته باشد (سعدی شیرازی)

ب) سخن کان از سرِ اندیشه ناید — نوشتن را و گفتن را نشاید (نظامی گنجه‌ای)

ج) به شیرین زبانی و لطف و خوشی — توانی که پیلی به مویی کَشی (سعدی شیرازی)

د) خلائق را به القابی که زشت است — نخواند هر که او نیکو سرشت است (مهدی الهی قمشه‌ای)

ه) آن کس که به عیب خلق پرداخته است — زان است که عیب خویش نشناخته است (امثال و حکم دهخدا)